حقیقت ملکوتی شهر، برج و لیلة القدر

شاگرد۲: شما راسم روز و شب و ماه را فرمودید، یک روایت است که خداوند متعال سال را سیصد و شصت روز خلق کرد، لیلة القدر را همان موقع مشخص کرد. خب این یعنی یک حقیقت ثبوتی دارد که اینها تنزل آن حقیقت هستند؟ رابطه بین اینها به چه صورت است؟

استاد: تردید نیست در اینکه سال و ماه و حتی برج، یک حقیقت ملکوتی دارند. اینها را مباحثه کردیم. فقط نمیدانم چه زمانی بوده است. و الاّ « وَالسَّماءِذاتِالْبُرُوجِ»[1]، «وَلَقَدْ جَعَلْنا في السَّماءِ بُرُوجاً وَزَيَّنّاها للنّاظِرين»[2]. روایتش را ببینید. برج که برای ماه قمری نیست. برای ماه قمری این است: «إنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَاللّهِ اثْنا عَشَرَ شَهْراً في كِتابِ اللّهِ»[3]. برج که برای شهر رجب و ماه مبارک نیست. برای برج ماه نیسان و ... است، یا همین ماههای فرس. خب اگر به این صورت است، درست میفرمایید. تردیدی نیست که اینها حقیقتی دارند. ولی اینکه رابطه آن امر ملکوتی با دنیایی به چه صورت است، کیفیت رابطه آن از علوم انبیاء و اوصیاء است. دست ما از آن کوتاه است. ما از همین ادله اثباتیه مطالبی را از آن امر با صبغه دنیوی و با وجه دلی الدنیا میفهمیم و مباحثه میکنیم. هر چه در روایات باشد به اندازهای که ارشاد و هدایت شده، تصور دنیوی میکنیم.

شاگرد: قبلاً روایتش را خواندید. حضرت فرمودند اگر کسی آن هفت را در آخر ماه بشناسد، هشت لیلة القدر میشود.

استاد: امام هشت را نفرمودند. فرمودند: «اطلبها في السبع الأواخر و الله لئن عرفت آخر السبعة لقد عرفت أولهن و لئن عرفت أولهن لقد أصبت ليلة القدر»[4].

شاگرد: ای در روایت دارد که ملائکه در شب قدر دور ما طواف میکنند، نشان میدهد که ....

استاد: حاج آقا از این حدیث خیلی خوششان میآمد، مرتب تکرار میکردند. میفرمودند روایت دارد که امام فرمودند: «علامة ليلة القدر ان تطيب ريحها و ان كانت في برد دفئت و انكان في حر بردت و طابت»[5]؛ در شب قدر هوا معتدل است. نه باغ الحراره و نه باغ البرودة است.

شاگرد: علائم اول ماه نباید با هم هم‌پوشانی پیدا کنند؟ همه نباید یک نقطه مشخصی را اول ماه کنند. یعنی همه آنها باید یک نقطه معین را لیلة القدر نشان بدهند؟ اینکه یک شب بخواهد عقب و جلو بیافتد، درک آن حقیقت از روایات خارج نمیشود؟

استاد: نه، وقتی آن حقیقت نسبت به کره زمین بالفعل شده چرا از دست برود؟ عرض کردم در روایت دارد: «صبيحة يوم ليلة القدر مثل ليلة القدر فاعمل و اجتهد»[6]، حتی در یکی بود «أن

يوم ليلة القدر مثل ليلته»[7].مانعی ندارد. یعنی آن حقیقت تابشی به کل کره زمین دارد. کره زمین هم دور میزند و در آن مناسبتی که با شب و روز خودش دارد، تمام فیوضات آن امر ملکوتی بر کره زمین در این قطعه زمانی به فعلیت میرسد.

شاگرد۲: «مطلع فجر» را باید فجر آخرین نقطه در نظر بگیریم؟

استاد: بله، از اشکالاتی که در اتحاد الآفاق فرموده بودند همین بود. میگفتند «مطلع الفجر» نمیتواند بیست و چهار ساعت باشد. و حال اینکه اگر بیست و چهار ساعت بگیریم «مطلع الفجر» هم یک آنی مناسب خودش میشود.

---

[1] البروج۱

[2] الحجر۱۶

[3] التوبه ۳۶

[4] الغارات (ط - القديمة)، ج1، ص: ۱۰۷

[5] الكافي (ط - الإسلامية)، ج4، ص: ۱۵۷

[6] الأمالي(للصدوق) النص ۶۵۴

[7] إقبال الأعمال (ط - القديمة) ج۱ ص۱۹۰

بازبینی #3
ایجاد شده 8 زانویه 2026 07:54:22 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 مارس 2026 16:20:44 توسط ... .